



مروری بر تاریخ ادب و

ادبیات امروز ایران

۲

نظم ← شعر

محمد حقوقی

فهرست

- تعریف شعر از نظر قدما..... ۳۷۱
- فرق شعر با نظم و نثر..... ۳۷۳
- سبک‌های شعر و نظم فارسی..... ۳۷۵
۱. شیوه خراسانی (یا ترکستانی)..... ۳۷۵
۲. سبک عراقی..... ۳۷۷
۳. سبک هندی (اصفهانی)..... ۳۷۹
- دوره بازگشت ادبی..... ۳۸۳
- مشروطیت و تحول شعر از لحاظ محتوا..... ۳۸۵
- تحول شعر بعد از مشروطیت..... ۳۸۸
- دو جریان شعر معاصر ایران..... ۳۹۰
۱. شعر سنت‌گرای معاصر..... ۳۹۰
۲. شعر نوگرای امروز..... ۴۰۲
- اول: اصل کوتاه و بلندی مصراع‌ها..... ۴۰۲
- دوم: اصل آزادی تخیل..... ۴۰۴
- سوم: اصل شعریت..... ۴۰۵
- چهارم: اصل شکل و ساخت..... ۴۰۷
- پنجم: اصل زبان و بیان..... ۴۰۹
- ششم: اصل ابهام..... ۴۱۵
- موضوع‌های شعر سنت‌گرای معاصر..... ۴۳۰
- قالب‌های شعر سنت‌گرای معاصر..... ۴۳۱

چارپاره

- ۵۳۴ ۱. دور (فریدون توللی).
 ۵۳۶ ۲. شیشه و سنگ (نادرپور).
 ۵۳۸ ۳. ناقوس نیلوفر (فریدون مشیری).
 شعر نیمایی، آزاد، سپید
 ۵۴۰ ۱. خانه‌ام ابری است (نیما).
 ۵۴۴ ۲. هست شب (نیما).
 ۵۴۶ ۳. مرگ ناصری (شاملو).
 ۵۵۱ ۴. مرثیه (شاملو).
 ۵۵۶ ۵. کتیه (اخوان ثالث).
 ۵۶۱ ۶. آنگاه پس از تندر (اخوان ثالث).
 ۵۷۰ ۷. پنجره (فروغ فرخزاد).
 ۵۷۶ ۸. دلم گرفته (فروغ فرخزاد).
 ۵۸۰ ۹. غربت (سهراب سپهری).
 ۵۸۴ ۱۰. نشانی (سهراب سپهری).
 فهرست اعلام ۵۸۷.

- ۴۴۶ موضوع‌های شعر نوگرای امروز.
 ۴۴۷ قالب‌های شعر نوگرای امروز.
 ۴۵۵ نمونه‌ها.
 قصیده

- ۴۵۷ ۱. جغد بزرگ (بهار).
 ۴۶۳ ۲. نگاه (رعدی آذرخشی).

مثنوی

- ۴۶۹ ۱. فناری من (مسرور).
 ۴۷۴ ۲. عقاب (دکتر خانلری).
 ۴۸۵ ۳. بت‌شکن بابل (حمیدی شیرازی).

قطعه

- ۴۹۹ ۱. قلب مادر (ایرج میرزا).
 ۵۰۲ ۲. مست و هوشیار (پروین اعتصامی).
 ۵۰۴ ۳. جستجو (حبیب یغمایی).
 ۵۰۶ ۴. مرغ شب (لطفعلی صورتگر).
 ۵۰۸ ۵. حسود (جلال‌الدین همایی).

غزل

- ۵۱۳ شهریار
 ۵۱۵ رهی معیری
 ۵۱۷ امیری فیروزکوهی
 ۵۱۸ پژمان بختیاری
 ۵۱۹ عماد خراسانی
 ۵۲۱ علی اشتری
 ۵۲۲ هوشنگ ابتهاج
 ۵۲۴ سیمین بهبانی

مسمط - ترکیب

- ۵۲۷ ۱. یاد آرز شمع مرده یاد آر (علامه دهخدا).
 ۵۳۰ ۲. نام (گلچین گیلانی).

تعریف شعر از نظر قدما

از مجموع نظریات شعرشناسان و سخن‌سنجان قدیم (از ارسطو تا خواجه نصیر طوسی و...) ^۱ چنین برمی‌آید که تعریف شعر را از لحاظ صورت و معنی می‌توان در دو عبارت ساده زیر خلاصه کرد:

الف: «شعر از لحاظ صورت، کلامی است موزون و مقفّی».

ب: «شعر از لحاظ معنی، کلامی است خیال‌انگیز و موهم، که معانی بزرگ را خرد و معانی خرد را بزرگ گرداند».

آنچه در وهله نخست براساس این دو تعریف می‌توان دریافت، این است که تعریف اول بر تمامی اشعار فارسی صدق می‌کند. زیرا همه شعرهای گذشته ما موزون و مقفّاست. اما تعریف دوم بر همه اشعار فارسی صدق نمی‌کند. زیرا تمامی آن‌ها خیال‌انگیز و موهم نیست. برای مثال به سه نمونه زیر می‌توان توجه کرد.

نمونه اول:

خیز و در کاسه زر آب طربناک انداز

پیشتر زان که شود کاسه سرخاک انداز

عاقبت منزل ما وادی خاموشان است

حالیا غلغله در گنبد افلاک انداز

۱- معلمان و مدرّسان ارجمند می‌توانند به کتاب‌های «فنّ شعر»، «چهارمقاله»، «لباب‌الالباب»، «المعجم فی معاییر اشعار العجم»، «حدائق‌السحر»، «معیار‌الاشعار»، «اساس‌الافتباس» و کتب بلاغی و بیانی مشهور رجوع کنند.

ملک این مزرعه دانی که ثباتی نکند
آتشی از جگر جام در املاک انداز

به سر سبز تو ای سرو که چون خاک شوم
ناز از سر بنه و سایه بر آن خاک انداز

غسل در اشک زدم کاهل طریقت گویند
پاک شو اول و پس دیده بر آن پاک انداز

یارب آن زاهد خودبین که به جز عیب ندید
دود آهیش در آئینه ادراک انداز

چشم آلوده نظر از رخ جانان دور است
بر رخ او نظر از آینه پاک انداز

چون گل از نکهت او جامه قبا کن حافظ
و آن قبا در ره آن قامت چالاک انداز

این غزل حافظ، چه از لحاظ صورت و چه از نظر معنی متضمن هر دو تعریف بالاست. زیرا هم ایهام دارد و هم معنی بزرگ، هم به اعتبار منطقیان خیال‌انگیز است و موزون و هم از نظر عرف موزون و مقفاست.

نمونه دوم:

چهار چیز شد آیین مردم هنری
که مردم هنری زین چهار نیست بری

یکی سخاوت طبعی، چو دستگاه بود
به تازه رویی آن را ببخشی و بخوری

دو دیگر آن که دل دوستان نیازاری
که دوست آینه باشد چو اندر او نگری

سه دیگر آن که زبان را به وقت گفتن بد
نگاه داری، تا وقت عذر غم نخوری

چهارم آن که هر آن کاو به جای تو بد کرد
چو عذر خواهد، نام گناه از او نبری

قطعه‌ای از «انوری» در پند و اندرز، که پیش از هر چیز وزن و قافیۀ آن به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، تنها از نظر صورت، تعریف شعر را در بر دارد و از اشتمال بر تعریف دوم خالی است. زیرا نه خیال‌انگیز است و نه متضمن معنی شاعرانه بزرگ، و نه در آن به اصل ایهام می‌توان برخورد.

نمونه سوم:

«فرّاش باد صبارا گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا نبات نبات در مهد زمین بپرورد. درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر کرده و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده، عصاره نایی به قدرت او شهد فائق شده و تخم خرمایی به تربیت‌اش نخل باسق گشته».

نمونه‌ای از گلستان سعدی، که فاقد وزن و قافیۀ شعری است؛ اما در عوض، خیال‌انگیز است و موهوم. و تعریف شعر را تنها از لحاظ معنی در بر دارد.

فرق شعر با نظم و نثر

گذشته از نمونه اول که هر دو تعریف را در خود جمع دارد و در شعر بودن آن نمی‌توان شک کرد، اگر قرار بر این شود که یکی از دو نمونه دوم و سوم را به اعتبار نزدیکی هر چه بیشتر به تعریف شعر، بر دیگری ترجیح دهیم، این نوع سوم است که بر دوم برتری می‌یابد. زیرا این معناست که همواره بر صورت ترجیح دارد. از طرف دیگر وقتی عامۀ مردم و نه منطقیان حتی «الفاظ مهمل بی معنی را اگر مستجمع وزن و قافیه باشد شعر شمرند»^۱ پیداست که تا چه حد تمیز شعر از نظم با توجه به تعریف

۱. عبارت داخل گیومه، از خواجه نصیر طوسی است.